

یک نویسنده ادبیات کودک و نوجوان:

در سریال ها همه چیز هست الا کتابخانه!



مجید راستی معتقد است تلویزیون می تواند خیلی به کتاب خوانی کمک کند. این نویسنده ادبیات کودک ونوجوان در گفت وگو با ایسنا این امر را منوط به انجام کار واقعی و پرهیز از شعار دانست و گفت: این همه سریال می بینید که در تلویزیون و رسانه های تصویری ساخته می شود، اما چقدر کتابخانه و کتاب در این سریال ها دیده اید؟ همه چیز هست الا کتابخانه. مثلا می بینید دوربین به سمت خانه شخصی می رود، مجسمه و تابلو و مبل های گران قیمت را نشان می دهند؛ اما کتابخانه نیست. گویی افراد مرفه و حتی متوسط با کتاب غریبه اند درحالی که نباید این طور باشد.

او تصریح کرد: این امر نشان دهنده این است که یک اشکال اساسی وجود دارد. هر سریال خارجی که ببینید به نحوی ردپای کتاب در آن چشمگیر و طبیعی است.

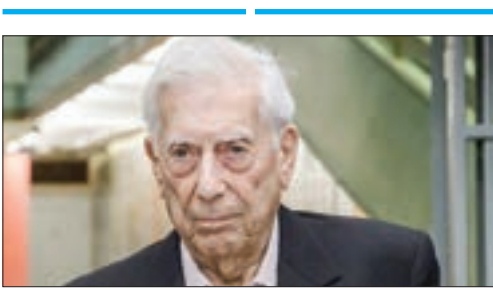
راستی با بیان اینکه رفتارها به گونه ای شده که انگار نیازی به کتاب فروشی و کتاب خوانی و کتاب دوستی نیست، افزود، چه اشکالی دارد تلویزیون برنامه ای بگذارد و خبر انتشار کتاب ها را بدهد و بگوید این عنوان کتاب ها در این هفته چاپ شده؟ یا با نویسنده مصاحبه کند؟ مابامیوه فروش هایبیشتر مصاحبه می کنیم تا آدم هایی که کتاب خوان هستند. چرا اخبار با مردم مصاحبه نمی کند که کدام کتاب ها را خوانده و چرا این کتاب ها را انتخاب کرده اند و چه کتاب هایی را به مخاطبان پیشنهاد می دهند. این ها از موضوع هایی است که می توان به مرور جا انداخت.

«سیری در ترانه سرایی فارسی» در ایران

ترانه و تصنیف پیشینه ای کهن در فرهنگ ایرانی دارد و امروز نیز آفرینه های ادبی مربوط به هنر موسیقی جزو سازه های فرهنگ غنی ایران است. «سیری در ترانه سرایی فارسی از آغاز تا امروز»، تألیف علی اصغر با با صفری و محمد امین محمدپور، پژوهشی است درباره سیر ترانه سرایی و ترانه سرایان در ایران که در کنار مباحث کلی، ترانه سرایی و تصنیف سرایی در دوره های مختلف را از هم تفکیک

می کند. این کتاب انواع ترانه را از دید درون مایه در دوازده بخش طبقه بندی می کند که شامل عاشقانه و شادی و کودکانه و سوگ و کار و عرفانی و دینی و... است. «سیری در ترانه سرایی فارسی» را انتشارات مروارید به تازگی در ۳۷۰ صفحه چاپ کرده است.

یوسا ز بیمارستان ترخیص شد



ماریو بارگاس یوسا برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۰ و عضو آکادمی فرانسه که هفته پیش به علت ابتلا به کووید ۱۹ در بیمارستان بستری شده بود، از بیمارستان مرخص شد. به گزارش مهر، یوسا نویسنده پرویی روز جمعه سلامت خود را بازیافت و به منزل بازگشت. این دومین بار در پانزده ماه گذشته است که او به سبب ابتلا به کووید ۱۹ در بیمارستان بستری می شود. بارگاس یوسا که ۲۸مارس ۱۹۳۶ در آرکیپا، در جنوب پرو، در خانواده ای متوسط به دنیا آمد، به همراه گابریل گارسیامارکز کلمبیایی و خولیو کورتاسار آرژانتینی، از قهرمانان بزرگ رونق ادبی آمریکای لاتین در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شناخته می شود. یوسای ۸۷ساله، نویسنده شاهکارهایی مانند «گفت وگو در کلیسای جامع» و «سوربز» است که به دلیل توصیف واقعیت های اجتماعی تحسین شده است. البته او بابت مواضع محافظه کارانه سیاسی اش با انتقاد محافل روشنفکری آمریکای جنوبی روبرو است. آثار این نویسنده که در جوانی چندین سال در پاریس زندگی کرد، به حدود ۳۰ زبان ترجمه شده و نخستین نویسنده خارجی است که به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شده است.

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- **ناوبراسته**✖
- وزیر امور خارجه الجزایر به دعوت همتای ایرانی خود به تهران سفر می کند و با مقامات ارشد کشورمان دیدار و گفتگو می کند.**
- **ویراسته**✔
- وزیر امور خارجه الجزایر به دعوت همتای ایرانی خود به تهران سفر می کند و با مقامات ارشد کشورمان دیدار و گفت وگومی کند.**
- **نکته**

بنابر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گفت وگو، شست و شو، جست و خجو... به گفتگو، شستشو، جستجو و...ارجح است.

#زین-قدیرپارسی

کودکانه های پیرمرد نویسنده

یادی از مهدی آذر یزدی، پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران

در سالروز درگذشتش

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

مهدی آذر یزدی

تحصیلاتی رسمی داشته باشد تا توانست کتاب خواند و سرانجام به مرحله ای رسید که شخصیت حرفه ای پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران شکل گرفت. در چاپخانه، کتاب «انوار سهیلی، چرقه ای در ذهنش زد. این اثر، یازنویسی حکایت های، کلیله و دمنه» و کتاب پرآوازه ای در میان فارسی زبانان هند بود و او را به فکر یازنویسی قصه های کتاب های کهن برای بچه ها انداخت. به این ترتیب نگارش نخستین جلد از کتاب معروف مهدی آذر یزدی، «قصه های خوب برای بچه های خوب»، آغاز شد.

● جایزه نمی خواهم!

واکنش اهالی نشر دلسردکننده بود! گویا اینکه یک نفر پیدا شود و کتابی بنویسد که مخاطب آن صرفا بچه ها باشند کنشی نامتعارف بود و همین نامعمول بودن اسباب سرخوردگی بود! با این حال آذر یزدی کوتاه نیامد و توانست نظر مساعد مؤسسه انتشارات امیرکبیر را جلب کند. سال ۱۳۳۵ کتاب اول چاپ شد و بعد به مرور، دیگر مجلدات این مجموعه هشت جلدی به زیور طبع آراسته شد. آقای نویسنده حالا دوران درخشانی را می گذراند و سال ۱۳۴۲ یونسکو به او برای «قصه های خوب...» جایزه داد و سال ۱۳۴۵ همین کتاب و تألیف دیگرش «قصه های

مشتی های پروپاقرص او شدم و گذشته از رابطه مشتری و کاسب، دوستی و آنسی نیز در میان ما برقرار گشت. به سرعت این گوشه از شهر در نظر من مهم ترین نقطه گشت که لااقل هفته ای سه یا چهار بار به آن سر می زدم. دلیلم برای رفتن به آنجا تنها خرید کتاب نبود، بلکه محیط و محوطه را دوست می داشتم. ساعتی می ایستادم و با آذر صحبت می کردم. [...] روزهایی که پست تهران می آمد دیگر اوج قضیه بود. بسته های روزنامه و مجله و کتاب روی پیشخوان ریخته می شد. آذر با دست های حساس استخوانی اش که دست یک قلم زن بود، کارد می انداخت و آن ها را باز می کرد. از لای لفاف کتاب یا مجله گرم و تپنده بیرون می آمد. چشم های ما به دودو می افتاد که هرچه زود تر ببینیم. خود آذر هم دستخوش هیجان بود...» (کتاب «روزها،

تازه از کتاب های کهن»، جایزه سلطنتی کتاب سال را به دست آورد. البته آقای نویسنده خلق و خوی خاص خود را داشت و از رفتن به دربار و دریافت جایزه اش خودداری کرد! در خاطره ای از صاحب انتشارات امیرکبیر آمده: «آقای آذر یزدی باید لباس فراک می پوشید و به دربار می رفت تا از شاه جایزه بگیرد ولی جدا از این کار خودداری کرد، می گفت نمی توانم لباس فراک بپوشم، بچه های مجله ام مسخره ام می کنند، نه لباس فراک می پوشم و نه به دربار می آییم و نه جایزه می خواهم. بالاخره هم به دربار نرفت و جایزه را که ۲۰۰۰ تومان بود بعدا برایش فرستادند»، (در جست وجوی صبح، عبدالرحیم جعفری، نشر نو، جلد دوم، صفحه ۷۶۱).

● آفرینشگر پر کار قصه های بچه ها

مجموعه «قصه های خوب برای بچه های خوب»، که از سال ۱۳۳۵ انتشار آن آغاز و سال ۱۳۶۳ تکمیل شد، هشت دفتر را دربر می گیرد: «قصه های کلیله و دمنه»، «قصه های مرزبان نامه»، «قصه های سندبادنامه و قابوسنامه»، «قصه های مثنوی معنوی»، «قصه های قرآن»، «قصه های شیخ عطار»، «قصه های گلستان و مِلستان»، «قصه های چهارده معصوم».



محمدعلی اسلامی ندوشن). آذر، این جوان لاغر اندام قباپوش و ساده زیست را که هر بار چنین از دیدن کتاب هیجان زده می شد، باید مرد کتاب و یار فرهیخته بچه ها دانست. کسی که عمری را صرف خواندن و خدمت به کودکان و نوجوانان این سرزمین کرد و در این راه از خوشی های متعارف زندگی محروم ماند. او حتی ازدواج نکرد تا وقتی در حوالی نودسالگی از دنیا رفت لذت و شغف مطالعه اش به نام نیکی بدل شود که از قبل برون داد خوانده هایش در قالب کتاب هایی خواندنی برای بچه ها پدیدار شده بود. جایگاه مهدی آذر یزدی در فرهنگ و ادب ایران آن قدر والا هست که لقب «پدر ادبیات کودک و نوجوان ایران» را برایش رقم زده باشد و روز درگذشتش، هجدهم تیرماه، را «روز ملی ادبیات کودک و نوجوان» نام گذاشته باشند.

دیگر کتاب شناخته شده استاد یعنی «قصه های تازه از کتاب های کهن» نیز شامل ۱۰ دفتر و از این قرار است: «خبر و شر...»، «حق و ناحق...»، «حکایت...»، «بچه آدم»، «پنج افسانه»، «مرد و نامرد»، «قصه ها و مثل ها»، «هشت بهشت»، «یافنده داننده»، «اصل موضوع».

آذر یزدی به جز این ها کتاب های دیگری هم به چاپ رساند که بعضا برای بزرگ سالان بود و با «شعر قند و عسل» و «قصه های ساده برای نوآموزان» و «تصحیح مثنوی معنوی مولوی» و «خودآموز عکاسی برای همه» و «قصه های پیامبران» و «یاد عاشورا» و «چهل کلمه قصار حضرت امیر(ع)» و «تذکره شعرای معاصر ایران» با نام مستعار سیدعبدالحمید خلخالی منتشر ساخت و جز این ها تألیفات چاپ شده اش به بیش از سی عنوان می رسد. این در حالی است که کتاب های دیگری هم نوشت که وقتی در هجدهم تیر سال ۱۳۸۸ درگذشت، خبری از چاپ آن نبود و هنوز هم منتشر نشده است.

● آرامش قرار و نویسنده بی قرار

مهدی آذر یزدی کمابیش همه عمر کار کرد و کتاب خواند و کتاب نوشت و اگرچه بارها جایزه گرفت و برایش آیین بزرگداشت برگزار کردند، در این راه از خیر خوشی های معمول زندگی مانند ازدواج هم گذشت. هیچ گاه شغل دولتی نداشت و از مواهیی مانند مزایای بازنشستگی محروم ماند و همچنین از آرامشی که در پی آن بود و می یاست به دست می آمد با انشش با بچه هایی که خواننده کتاب هایش بودند و استقبالشان از آثارش در گذران امور زندگی اش تأثیرگذار بود... روحش شاد.



ریشه های ایرانی یک جریان در ادبیات عرب

نگاهی به کتاب «از مغانه پارسی تا مُجون تازی؛ دگرگونی واژگانی و مایگانی پدیده ای ایرانی در سده های نخست هجری» نوشته حسین ایمانیان

و هم سویی باورها و رفتارهای گروه ماجنان در ادبیات عرب با آیین های زرتشتی، مؤلف را به این اعتقاد رسانده که «مجانَه» عربی شده «مغانه»، پارسی و شعر مجون، ترجمان ادبیات مغانه است.

شیفتگی ماجنان به آیین های زرتشتی و مغانگی سبب شده تا از سخنان و رفتارهای آن ها به کفر زندقه یاد شود. این پژوهش، کتابی است بایک درآمد و پنج پاره (مجانَه و مغانه، مجانه و ملامتیه، مجانه و قلندریه، مجانه و فتوت، مجانه و رندی).

«از مغانه پارسی تا مُجون تازی، دگرگونی واژگانی و مایگانی پدیده ای ایرانی در سده های نخست هجری، را نشر نی در ۲۳۷ صفحه به چاپ رسانده است.



سیر تاریخی خود، از ایران پیش از اسلام به سده های میانی هجری، با کمی دگردیسی، نخست از ایستگاه «مُجون» یا «مجانَه» در بصره و کوفه و بغداد سده های نخست و دوم هجری گذر کرده است و در سده سوم و چهارم در برخورد با آموزه های دینی، به ذوق و سلیقه تصوف و شریعت نزدیک شده و «ملامتیه» نام گرفته است. این جریان ها در سده های میانی، دوباره از تصوف اسلامی دور شده و به «مجانَه» و اصل ایرانی خود نزدیک شده و «قلندریه» نام گرفته است. ساختار نزدیک واژه های «مُجون» و «مجانَه» در عربی با «مغانه» پارسی و اشاره آشکار نخستین فرهنگ نویسان عربی زبان به غیر عربی بودن «مُجون»

بودند، معنای واژگانی مجون در عربی، انجام رفتارهایی و بر زبان آوردن سخنانی بر خلاف عرف و بعضی هنجارهاست و متونی با این محتوا را نتیجه انحطاط اخلاقی و شک انگاری رایج در عصر خلافت بنی عباس ارزیابی کرده اند. «از مغانه پارسی تا مُجون تازی» گفته ها و نوشته هایی را بررسی می کند که از سده سوم هجری تا امروز درباره مجون و مجانه شکل گرفته است، اما بر پایه ادعای مؤلف، نگاهی تازه نیز به این مفاهیم داشته است. از دید او، مجون منتسب به عربی، یک سنت شعری کهن ایرانی است که در دو سده نخست هجری به پیروی از سنت کهن مغانه ایرانی در قلمرو مسلمانان گسترش پیدا کرده است. همچنین این دیدگاه مطرح شده که ملامتیه و قلندریه به پارسی، تغییر یافته و دنباله مجون یا مجانه در شعر عربی است و خود مجانه، پیرو سنتی در شعر ایران پیش از اسلام. طبق آنچه در این اثر پژوهشی آمده، برخی جریان های ایرانی مانند ملامتیه و قلندریه در